

السلامة والسلام



دانشگاه باقر العلوم

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

حجابهای نورانی و ظلمانی

از دیدگاه امام خمینی (ره) و

محمی الدین بن عربی

استاد راهنما

حجت الاسلام و المسلمین استاد یدالله یزادان پناه

استاد مشاور

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان

نگارش و پژوهش:

لیلا سادات حجازی

۱۳۸۸ / ۴ / ۶

مجلس اهل بیت در قم
توسط مرکز

۱۳۸۷

۱۱۵۴۶۱

سپاس و ستایش

ستایش مخصوص آن ذات مقدس که در مقام ذات خویش در حجاب ذات پوشیده بود و حقیقت او هیچ تجلی و ظهوری نداشت، آنگاه از پرده ذات خارج شد و در عالم اسماء و صفات جلوه کرد و اعیان ثابت به فیض اقدس در مقام واحدیت آشکار گشتند.
و فرمود «نحن اقرب الیه من حبل الوریث».

اینکه خداوند با رحمت و اسعه اش به همه نزدیک است و این ماییم که در حجاب اویم ولی او باز به لطف و رحمت بی کرانش راه وصول و خرق این حجب را برای ما هموار ساخت با خلفای خود در عالم از اسماء و صفات و ذات خود با خبر کرد و با درود و صلوات بی پایان بر آخرین خلیفه الهی و خورشید بی همتای ولایت.

و با تشکر و تقدیر فراوان از اساتید محترم که با توجه به مشکلات فراوان من، نهایت دلسوزی را مبذول داشتند خصوصاً حجه الاسلام و المسلمین دکتر گرجیان و همچنین حجه الاسلام و المسلمین استاد گرانمایه آقای یزدان پناه که با همراهی فراوان و توصیه های عالمانه خود مرا در این امر راهنمایی نمودند.

تقدیم نامه

سلام و درود خداوند و فرشتگان و رسولان و همه پاکان و پرهیزگاران بر خاتم پیامبران و امامان بزرگوار علیهم السلام.

درودی به گستره علم ربوبی بر خاتم امامان و آخرین ذخیره الهی حضرت بقیه الله ارواحنا له الفدا که به یمن وجودش همه روزی خورند و به وجودش آسمان و زمین پایدارند.

تقدیم به ساحت مقدس و لیش حضرت بقیه الله الاعظم، خاتم الاوصیاء، خلیفه کبرای الهی و نور اقرب و کلمه تامه الهیه، صاحب الزمان اباصالح المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. و تقدیم به حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها کریمه اهل بیت علیهم السلام مظهر آن کوثر بی کرانه محمدی که از لحاظ مرتبه وجودی به اوج کمال بود و از لحاظ تجلی انوار جمال به اوج جلوه نمایی، شخصیتی نورانی و ملکوتی و اسوه حسنه برای پویندگان طریقتش و ملجأ و پناهگاه عموم شیعیان.

و تقدیم به روح پرفتوح و عالی مرتبه عارف کامل و رادمرد عرصه علم و معرفت و عشق و دیانت و سیاست و جلوه تابناک انسان کامل حضرت امام خمینی (قدس سره).

و تقدیم به پدر بزرگوار و دلسوز و مادر مهربانم که همواره در مسیر پر فراز و نشیب طول تحصیل اینجانب به عنوان مشوق و حامیان دلگرم کننده در کنار من بودند و هستند.

و تقدیم به همسر مهربانم که در طول تحصیل کمک های فراوانی به من نمودند از همگی

آنها حلالیت می طلبم...

چکیده :

مسأله حجاب های نورانی و ظلمانی در یکی از ارکان عرفان توحیدی، یعنی قرب الی الله مد نظر قرار می گیرد. زیرا قرب الی الله در تمامی ذرات کائنات سریان دارد. ولی در مسیر این قرب موانع و حجابهایی وجود دارند که برخی نورانی و برخی ظلمانیند. این مسأله از نظر دو عارف بزرگ و نامدار، حضرت امام خمینی (ره) و محی الدین عربی یعنی پدر عرفان نظری مورد بررسی و ملاحظه قرار گرفته است که با وجود اینکه هر یک نظرات خاص مربوط به خود را در مباحث عرفانی دارند ولی در اصل بحث و در عمده مطالب متفق النظرند.

برای درک بهتر مبحث حجاب مباحث وحدت وجود و تجلی و ظهور بسیار ضروری است. زیرا در این ساحت فکری است که عارفان محقق به بحث از حجب پرداخته اند. و برای شناخت حجاب های نورانی و ظلمانی توجه و شناخت اسماء حسنی و حضرات و عوالم هستی از مهمترین مباحث است.

برای حجابهای ظلمانی و نورانی مصادیق متعددی ذکر شده است که هر یک به لحاظ و اعتبار خاصی بیان شده است. ابن عربی در یکی از لحاظات حجاب های ظلمانی را عالم جسمانیت دانسته و حجاب نورانی را ماورای طبیعت معرفی کرده است و ذات احدیت در این حجب مستور است. امام خمینی (ره) به یک لحاظ دیگر گفته است حجب نوری عبارت از حضرات اسمائی است و حجب ظلمانی اعیان ثابت در نشئه علمیه و احدیت است.

مصادیق دیگری هم از سوی ابن عربی و هم از سوی حضرت امام بیان شده است که در این پایان نامه ذکر شده است. بنابراین رفع و خرق حجاب ها برای قرب الی الله ضروری است و این کشف حجاب آثاری دارد که باعث می شود انسان حقایق الهی را درک کند و هر چه حجاب های بیشتری را خرق کند به مراتب بالاتری از قرب الی الله می رسد که نهایت قرب الی الله رسیدن به مقام خلیفه الهی و حقیقت محمدیه صلی الله علیه و آله و سلم است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	مقدمه : طرح تحقیق
۱	تبيين موضوع
۱	اهمیت و فایده موضوع
۳	تاریخچه پژوهش
۳	سئوال اصلی پژوهش
۳	سئوالات فرعی
۴	فرضیات
۵	محي الدين ابن عربي
۷	سفرها و ملاقات ها با سالکان و عارفان
۷	اساتید و مشایخ ابن عربي
۸	شاگردان ابن عربي
۹	تأثیر آراء و اندیشه های ابن عربي
۱۰	مذهب ابن عربي
۱۱	تألیفات ابن عربي
۱۲	امام خمینی (قدس سره)
۱۲	ولادت
۱۲	تحصیلات
۱۳	شخصیت علمی (تدریس قفه و اصول ، تدریس فلسفه ، تدریس عرفان)
	درس اخلاق)
۱۴	مرجعیت
۱۴	اساتید و مشایخ
۱۴	شاگردان
۱۵	تألیفات
۱۵	وفات

بخش اول

۱۷ مبانی و مقدمات بحث حجب نورانی و ظلمانی

۱۸ **فصل اول: وحدت وجود**

۱۹ وحدت وجود در عرفان و فلسفه

۲۰ نظر مشاء، تشکیک عامی

۲۰ تشکیک خاص صدرایی (حکمت متعالیه)

۲۱ نظر عرفان در باب وحدت وجود و کثرت نمود

۲۳ **فصل دوم: تجلی و ظهور**

۲۴ معنای تجلی

۲۵ تجلی غیب و تجلی شهاده

۲۶ تجلی و اسماء الهی

۲۶ تجلی و حجب الهی

۲۷ تجلی و مقام احدیت

۲۷ تجلی و وحدت شخصیه

۲۹ **فصل سوم: حضرات و عوالم خمسه**

۳۰ حضرات و عوالم

۳۰ عوالم از منظر ابن عربی

۳۳ نگاه تفصیلی به حضرات

۳۳ مقام اول: تعیین اول

۳۴ مقام دوم: تعیین ثانی

۳۵ مقام سوم: عالم ارواح

۳۷ مقام چهارم: عالم مثال

۳۸ مقام پنجم: عالم ماده

۳۹ مقام ششم: کون جامع (انسان کامل)

۴۲ **فصل چهارم: اسماء و صفات الهی**

۴۳ اهمیت و ضرورت بحث اسماء

۴۴	تعریف اسماء و صفات
۴۵	ظهور اسماء در مراتب حقایق الهی
۴۷	صفات عین ذاتند و ذات مسما به جمیع اسماء است
۴۷	تقسیمات اسماء
۴۸	اسماء کلی
۴۹	اسماء کلی چهارگانه
۵۰	اسم جامع الله
۵۱	رابطه اسماء با یکدیگر

فصل پنجم: اعیان ثابتة

۵۳	حقیقت اعیان ثابتة
۵۴	اعیان ثابتة و اسماء الهی
۵۵	اعیان ثابتة و فیض اقدس و فیض مقدس
۵۶	تبیین ذات گرای در عرفان
۵۸	وجه تسمیه اعیان ثابتة
۵۸	اعیان ثابتة مجعول نیستند

فصل ششم: اسفار اربعه

۶۰	سفر اول: سفر از خلق به حق
۶۲	سفر دوم: سفر از حق به خلق
۶۳	سفر سوم: سفر از حق به حق باحق
۶۳	سفر چهارم: سفر از خلق به خلق باحق

بخش دوم

۶۵	حجاب در عرفان و متون دینی
----	---------------------------

فصل اول: حجاب در عرفان از منظر هستی شناختی

۶۸	تعریف حجاب
۶۹	حقیقت حجاب
۶۹	قرب حق سبحانه در عین محجوب بودن برخی از انسانها

۷۴	فصل دوم: حجاب در علم اخلاق و علم عرفان عملی
۷۶	حجاب گناه
۷۷	دومین حجاب: تعلقات دنیوی و مادی
۷۷	مانع و حجاب سوم: پیروی از هوای نفس
۷۸	مانع چهارم: پرخوری
۷۹	مانع پنجم: سخنان غیر ضروری
۷۹	مانع ششم: حب ذات
۸۰	مانع هفتم: ضعف اراده
۸۱	فصل سوم: حجاب از منظر آیات و روایات
۸۲	حجاب از منظر آیات
۹۲	حجاب از منظر روایات
۹۹	فصل چهارم: تعداد حجب
۱۰۰	تعداد حجب

بخش سوم

۱۰۳	حجاب های نورانی و ظلمانی
۱۰۴	فصل اول: حجابهای نورانی و ظلمانی از دیدگاه امام خمینی و ابن عربی
۱۰۵	تعرف حجابهای نورانی و ظلمانی
۱۰۷	دیدگاه ابن عربی و امام خمینی (ره)
۱۱۶	فصل دوم: برخی حجب نورانی از منظر امام خمینی و ابن عربی
۱۱۷	حجاب اسماء
۱۱۹	اسماء کلی و جزئی
۱۲۳	حجاب فیض اقدس
۱۲۴	دنیای ممدوح
۱۲۵	انسان کامل و حجاب های نورانی
۱۲۶	حجاب عقل اول
۱۲۷	حجاب عزت و حجاب کبریا و حجاب عظمت

حجاب عالم لطیف ۱۲۷

فصل سوم: برخی حجاب های ظلمانی از منظر

امام خمینی و ابن عربی ۱۲۹

حجاب های ظلمانی ۱۳۰

حجاب علم ۱۳۱

حجاب تقیدات ۱۳۳

حجاب کبر ۱۳۳

حجاب شهوت ۱۳۶

حجاب طبیعت ۱۳۷

حجاب گناهان و فتوحات ثلاثه ۱۳۸

فصل چهارم: رفع حجب ۱۴۲

دلیل رفع حجب ۱۴۳

زمینه ها و شرایط رفع حجاب از دیدگاه قرآن ۱۴۵

الف) تقوای الهی زمینه ساز معرفت قلبی ۱۴۶

ب) ایمان زمینه ساز معرفت عرفانی ۱۴۸

ج) عمل صالح زمینه ساز معرفت عرفانی ۱۵۰

د) رابطه اخلاص و معرفت ۱۵۰

کشف حجاب ۱۵۱

کشف حجاب و ولایت ۱۵۴

خاتمه: ۱۵۹

نتیجه گیری ۱۶۰

فهرست منابع ۱۶۳

منابع ۱۶۴

تبیین موضوع

هدف از خلقت انسان رسیدن به قرب الهی است و مهمتر از آن شناخت فاصله های بین انسان و خدای متعال و حالات و درجات و تلاش در جهت کم نمودن این فاصله است. این فاصله و مسیر مملو از حجاب است، همانطور که در روایت است که بین خدا و بنده هفتاد هزار حجاب از نور و ظلمت وجود دارد. پس این حجاب ها برخی ظلمانی و برخی نورانی هستند که از نظر بسیاری از عرفا، اجسام و طبایع جسمانی و عوالم مادی و تعلقات مادی حجب ظلمانی و ارواح و عوالم مثالی، حجب نورانی شمرده می شوند. البته عوالم مجرده برای خواص از انسانها و عارفان سالک حجاب شمرده می شوند و برای کسانی که در همین وجهه مادی عالم مانده اند حجاب به شمار نمی رود. برای روشن شدن بحث حجب باید مراتب هستی از جمله اسماء الهی، اعیان ثابتة و حضرات پنجگانه و مقامات سبعة تبیین شود که راه رسیدن به قرب الهی و عبور از حجابها مشخص گردد و انسان به درجه ای برسد که ذات احدی را مشاهده کند و تمام موانع را کنار بزند.

عرفا در مورد اینکه حجابهای ظلمانی و نورانی ماهیتشان چیست و چگونه مانع از قرب الهی و دیدن حق سبحانه می شوند مطالب و نظرات زیادی دارند. در این زمینه حضرت امام خمینی و ابن عربی هم نظراتی دارند که اگر چه در اصل موضوع نظرات آنها شبیه همدیگر است ولی هر کدام در فروعات مسأله نظرات مربوط به خود را دارد.

اهمیت و فایده موضوع

در عرفان همه مباحث برای پاسخگویی به دو سوال اساسی است یکی توحید چیست؟ و دیگری موحد کیست؟ یعنی خداشناسی و انسان شناسی و بحث حجب بحثی است که مربوط به هر دو پرسش می باشد زیرا تا انسان موانع و حجابهای بین خود و حق سبحانه را نشناسد و نیماید، یعنی تا حجابها را از میان

برندارد، به شناخت واقعی از خداوند نایل نمی شود و انسان برای اینکه به کمال برسد و به درجه انسان کامل، باید این موانع و حجب را خرق کند البته شناخت انسان کامل و شناخت موانع و حجابهای ظلمانی و نورانی یک شناخت نظری است که در عرفان نظری مطرح می باشد ولی انسان اگر بخواهد در مسیر سیر و سلوک قدم بگذارد و پا به عرصه عرفان عملی بگذارد و به شهود برسد به این زمینه و مقدمه احتیاج دارد و این موضوع، موضوعی است که آگاهی از آن برای هر کسی مفید است و اگر واقعاً و از عمق جان به آن دل سپرده شود باعث فلاح و رستگاری انسان می شود و چون موانع و حجابها دو دسته اند یعنی نورانی و ظلمانی، پس باید شناخته شوند تا مسیر فلاح و رستگاری هموار شود.

و در این زمینه دو عارف بزرگ یعنی ابن عربی و امام خمینی نظرات مهمی دارند. نظرات ابن عربی از این باب مورد بررسی قرار می گیرد که پایه گذار عرفان نظری به صورت مدون و منسجم، ایشان بوده اند. به عقیده عرفا شیخ اکبر است و کسی هم پایه او نیست. زیرا ابن عربی اولین کسی است که معرفت عقلانی را با عرفان در آمیخت و دانشمندان و عرفای بعد از او حتی حکمای بعد از او همه ریزه خوار خوان بی دریغ اویند.

حضرت امام خمینی در عرفان یک عارف سترگ می باشد، جامعیت ایشان در علوم مختلف و برقراری پیوند و ارتباط بین این علوم، عرفان ایشان و از جمله فقه و اصول را به صورتی برجسته نمایان کرده است.

و از آنجا که ایشان در آثارشان به نقل و گاهی نقد نظرات ابن عربی پرداخته اند به همین جهت در مورد مسأله حجب نورانی و ظلمانی دیدگاههای این دو بزرگوار را مورد بررسی قرار دادیم.

تاریخچه پژوهش

مسئله حجب نورانی و ظلمانی، به صورت کلی در کتب عرفانی عرفا مورد تبیین قرار گرفته است و در مورد آن به بحث و نظر پرداخته اند. پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در مورد وصول و قرب الهی و وجود حجابها و خرق این حجابها سخنان گهرباری دارند. حتی قبل از اسلام هم عرفای سایر ادیان به این موضوع پرداخته اند. ابن عربی و شاگردان و پیروان او هم در کتب خود در مورد این مسئله بحث کرده اند. امام خمینی هم در کتب عرفانی خود بحث از حجب نورانی و ظلمانی را دارند. ولی این مسئله یعنی حجب نورانی و ظلمانی از دیدگاه ابن عربی و امام در جایی مطرح نشده و تطبیق نظرات عرفانی این دو عارف محقق و بزرگوار در مورد حجب نورانی و ظلمانی در این رساله مورد بررسی قرار می گیرد.

سؤال اصلی پژوهش

نظر ابن عربی و امام خمینی در مورد حجاب های نورانی و ظلمانی به چه صورت است؟ و نظرات آنها با هم چه مشترکات و چه اختلافاتی دارند؟

سئوالات فرعی

- ۱- مبانی بحث حجب چیست؟
- ۲- نظر امام در مورد حجب نورانی و ظلمانی چیست؟
- ۳- نظر ابن عربی در مورد حجب نورانی و ظلمانی چیست؟
- ۴- نسبت بین دیدگاه امام و دیدگاه ابن عربی چیست؟

فرضیات

- ۱- بین خداوند حق سبحانه و انسان حجابهایی از نور و ظلمت وجود دارد و باید از این موانع عبور کرد تا به قرب الهی نائل شد باید از کثرت به وحدت برسیم.
- ۲- امام خمینی از عارفان بزرگی است که در مورد حجاب های نورانی و ظلمانی نظرات فراوانی دارد که حائز اهمیت است.
- ۳- ابن عربی به عنوان پایه گذار عرفان نظری بحث حجب نورانی و ظلمانی را در کتابهای خود وارد کرده است و نظراتش برای عالمان بعد از او اهمیت فراوان دارد.
- ۴- امام خمینی و ابن عربی در اصل مسأله حجب با هم تفاوتی ندارند بلکه در بعضی فروع نظراتشان متفاوت است.

محي الدين ابن عربي^۱

ابوبکر محمد بن علی بن احمد بن عبدالله بن حاتم طائی، ملقب به «شیخ اکبر» و معروف به ابن عربي در ۱۷ رمضان ۵۶۰ هـ.ق. در مرسیه، یکی از شهرهای اندلس، در خانواده ای ثروتمند و اهل زهد و تقوا متولد شد. و در سال ۶۳۸ هـ.ق در دمشق وفات یافت و در دامنه کوه قاسیون در شمال این شهر دفن شد. ابن عربي یکی از برجسته ترین شخصیت‌های عرفان اسلامی است. او عارفی است که با عرفانش موج عظیمی از نظرات موافق و مخالف را پیرامون شخصیت خود پدید آورده است. و با اینکه منابع بسیاری در مورد زندگی و شخصیت ابن عربي وجود دارد. ولی به دلیل افراط و تفریط مخالفان و موافقانش، شناخت شخصیت واقعی او آسان نیست و بهترین راه شناخت او مراجعه به آثار و تألیفاتش است.

او از نوادگان عبدالله بن حاتم برادر صحابی معروف عدی بن حاتم است و جد اعلای او حاتم طائی است.

شکل گیری شخصیت علمی و عرفانی ابن عربي

در شکل گیری شخصیت علمی و عرفانی ابن عربي عوامل مختلفی نقش داشته است. از قبیل استعداد ذاتی، محیط خانوادگی، شرایط اجتماعی سفرهای متعدد و آشنایی با بزرگان علم و عرفان و حکمت و فقه و حدیث و ادب و

ابن عربي پس از گذراندن سالهای اولیه عمر در مرسیه، در سال ۵۶۸ هجری قمری در سن هشت سالگی به همراه خانواده اش به اشبیلیه پایتخت اندلس رفت و تا سال ۵۹۸ هـ.ق در همانجا ماند. ابتدا به فراگیری قرآن و ادبیات مشغول شد و پس از مدتی به دبیری و کاتبی در دستگاه حکومت گمارده

۱- محسن جهانگیری، محی الدین بن عربي، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران پاییز ۱۳۷۵ بخش اول ص ۱۸۸-۱؛ یحیی یربی، عرفان نظری، صص ۱۷۲-۱۹۲؛ ر.ک به شرح حال ابن عربي؛ پیوست فتوحات مکیه، ج ۴، ص ۵۵۳

شد. در این دوران که خود او آن را ایام جاهلیت خوانده است. به سیاحت و شکار می پرداخت و زندگی را به عیش و عشرت می گذارند.

ولی به زودی در معرض نفحات الهی قرار گرفت و به مقام کشف و شهود نایل آمد. در عین حال وی از همان ایام نوجوانی حالات و نبوغ روحی ویژه ایی داشت که مشهورترین فیلسوف زمانش یعنی ابن رشد اندلسی علاقه مند به ملاقات او شد و از پدرش خواست تا زمینه این ملاقات را فراهم کند. پدر ابن عربی فرزندش را به دیدار ابن رشد فرستاد که این ملاقات از سوی صاحب نظران بسیار با اهمیت تلقی شده است.

چنانکه ابن عربی می گوید این تنها ملاقاتی بوده که بین او و ابن رشد صورت گرفته است و پس از فوت ابن رشد در سال ۵۹۵ هـ ق زمانی که جنازه او را به قرطبه انتقال می دادند، در حالی که تابوت او را بر یک طرف حیوان بارکش و تألیفاتش را بر طرف دیگر بسته بودند، ابن عربی هم ناظر این صحنه بوده است و دوستش ابوالحکم به او می گوید آیا نمی نگری به چیزی که معادل امام ابن رشد است؟

ابن عربی در این مورد گفته است:

هذا الامام و هذه اعماله یا لیت شعری هل أتت آماله^۱

او در سن بیست و یک سالگی بر اثر رؤیایی که برای او اتفاق افتاد رسماً وارد طریقه تصوف شد و به مجاهده و ریاضت و کشف و شهود پرداخت و چیزی نگذشت که یکی از پرآوازه ترین عارفان و صوفیان زمان خود گردید و این موجب شد تا بسیاری از بزرگان عرفان و تصوف به دیدارش بشتابند.

۱- ابن عربی، فتوحات مکیه، دارصادر، بیروت، (۴-ج)، ج ۱، صص ۱۵۴-۱۵۳

او نیز با مشایخ زهد و عرفان با رغبت و شور و شوق فراوان دیدار می نمود و از آنان بهره می گرفت و گاهی با آنها به مناظره می پرداخت.

سفرها و ملاقاتها با سالکان و عارفان

اشتیاق ابن عربی برای دیدار با بزرگان علم و عرفان و همچنین شرایط اجتماعی و سیاسی او را به سفرهای متعدد به نقاط مختلف سرزمین های اسلامی وا می داشت که همین سفرها هم در عمق و گستره شخصیت عرفانی و علمی او تأثیر زیادی داشته است.

ابن عربی از سی سالگی سفر به خارج اندلس را آغاز کرد. در سال ۵۹۰ هـ ق به افریقا سفر کرد تا به حضور عارف معروف ابومدین شعیب بن الحسن رسید. چنانکه در فتوحات آمده او از سال ۵۹۰ تا ۵۹۸ بارها، میان اندلس و آفریقا در رفت و آمد بوده است و سرانجام به شوق دیدن مشرق از سال ۵۹۸ قصد سفر به مشرق کرد و تونس را به قصد مکه ترک کرد و تا سال ۶۰۰ هـ ق در مکه ماند. او در سال ۶۰۱ هـ ق در بغداد، سپس در موصل، سپس در سال ۶۰۳ هـ ق در قاهره بوده است. قاهره را به قصد اسکندریه پشت سر می گذارد تا از راه دریا به مکه باز گردد.

و مجدد در سال ۶۰۴ هـ ق در مکه به سر می برد. ولی با این احوال همچنان به نقل مکان می پردازد. در سال ۶۰۷ هـ ق در آسیای صغیر به قونیه می رسد و سپس در سال ۶۰۸ به بغداد می آید. و برای بار سوم در سال ۶۱۱ هـ ق به مکه می رود. سرانجام در دمشق مستقر می شود و در ۲۸ ربیع الثانی سال ۶۳۸ هـ ق دار فانی را وداع گفته است.

اساتید و مشایخ ابن عربی

ابن عربی در نامه ای (این نامه در کتاب جامع کرامات الاولیاء ج ۱، ص ۲۰۹-۲۰۲ ثبت شده است). که به کیکاوس اول نوشته است، شمار استادانش را ۷۰ نفر ذکر کرده است که: معروفترین

اساتید و مشایخ او عبارتند از: حافظ ابوبکر محمد بن خلف لخمی، ابوالقاسم عبدالرحمن غالب شراط قرطبی، ابوالحسن شریح بن محمد بن شریح رعینی، قاضی ابومحمد عبدالله بازلی، قاضی ابوبکر محمد بن احمد بن ابی حمزه در علم قرائت و شخصیت‌هایی چون ابوعبدالله محمد بن سعید بن دریون و ابومحمد عبدالحق بن عبدالرحمن بن عبدالله اشیلینی و عبدالصمد بن محمد بن ابی الفضل بن حرستانی و یونس بن یحیی بن ابوالحسن عباسی هاشمی و مکین الدین اصفهانی و نصر بن ابی الفتوح و سالم بن رزق الله افریقی و ضیاءالدین عبدالوهاب و ابن عساکر و عبدالرحمن جوزی که در حدیث از همه آنها اجازه عامه دریافت کرده است.

برخی از مشایخ مشهور عرفان که با آنها در اشیلیه دیدار داشته است، ابوالعباس عرینی، ابوعمران موسی بن عمران میرتلی، ابویعقوب یوسف بن یخلف الکوئی، ابوالحجاج یوسف بن شبریلی، ابوعمران موسی سدرانی، ابویحیی صنهاجی ضریر می باشند و عده ی دیگری از بزرگان عرفان و همچنین با برخی از عرفای عصر خود در سفرها ملاقات داشته است که زمینه ی مناسبی را برای تجربه اندوزی در ابعاد مختلف علمی و عرفانی برای او فراهم ساخته است که عبارتند از: ابوعبدالله بن جنید قبریقی، عبدالله بن استاد موروری، عبدالمجید بن سلمه، ابن رشد، ابوالحسن صائغ، ابوالقاسم بن قسی، ابوعبدالله محمد بن قاسم فاسی، شیخ عبدالعزيز ابومحمد بن ابی بکر قرشی، مکین الدین اصفهانی، علی بن عبدالله بن جامع.

شاگردان ابن عربی

از تعداد شاگردان ابن عربی اطلاع دقیقی در دست نیست. با این حال شاگردی و ارادت سه شخصیت نامدار نسبت به او مسلم است:

۱- عبدالله بدرحشی که صاحب کتابی به نام «الانباء علی طریق الله» است و از طریق آن به نشر و ترویج افکار و اندیشه های استاد همت گماشته است.

۲- اسماعیل بن سودکین که برخی از عبارات کتاب «تجلیات» ابن عربی را شرح نموده است و ابن عربی در پاسخ سؤال او رساله ای به نام «رساله فی سؤال اسماعیل بن سودکین» نوشته است.

۳- صدرالدین محمد بن اسحق قونوی: که بزرگترین و با عظمت ترین شاگرد ابن عربی و مروج و شارح افکار و اندیشه های او بوده است. و با تألیفات متعدد و پرورش شاگردانی زبده، عرفان ابن عربی را ماندگار ساخته است.

تأثیر آراء و اندیشه های ابن عربی

آراء و اندیشه های ابن عربی تحولی عظیم در عرصه های فکری و علمی پدید آورد. شارحان آثار او با همت و جدیت به شرح و بیان افکارش برخاستند و از طریق آنها آثار ابن عربی به حوزه های مختلف عرفانی راه یافت.

صدر الدین قونوی، مؤید الدین جندی، سعید فرغانی، عبدالرزاق کاشانی، داوود قیصری، عبدالرحمن جامی از جمله شخصیت‌هایی هستند که در شرح و توضیح و نشر آراء و اندیشه های ابن عربی تأثیر گذار بوده اند. افکار و اندیشه های ابن عربی هم بر شعر و عرفان اثر شگرفی داشت و هم حکمت و فلسفه را متأثر ساخت و در تفسیر و توضیح آیات و روایات تحول ایجاد نمود و کلاً الهیات اسلامی را غنی کرد.

البته تاثیر او منحصر در شرق اسلامی نیست بلکه نشانه هایی از این تاثیر را در غرب نیز می توان

دید.

ابن عربی مؤسس عرفان نظری به عنوان یک هستی شناختی منسجم عرفانی است. یعنی اگر چه اصول و مبانی و مسائل عرفان پیش از ابن عربی به وسیله عرفای دیگر مطرح شده بود، اما ابن عربی آن مطالب پراکنده را در یک نظام متحد و منسجم جمع آوری کرد. به صورتیکه پس از او تمام بزرگان عرفان از نظام او پیروی کرده و به شرح و بسط آن پرداخته اند. ابن عربی علاوه بر تدوین اصول تعالیم عرفای پیشین، اصول و مبانی و مسائل مهمی را خود اظهار کرده و برای تکمیل یک جهان بینی عرفانی به آنها اضافه کرده است. مسائلی از قبیل مسأله اعیان ثابته و مسائل دیگری در زمینه اسماء و صفات حق و مسأله وجود و غیره.

مرحوم مطهری درباره او می گوید: «عرفان اسلامی از بدو ظهور، قرن به قرن تکامل یافت، در هر قرنی چنانکه اشاره شد عرفای بزرگی ظهور کردند و به عرفان تکامل بخشیدند و بر سرمایه اش افزودند، این تکامل تدریجی بود، ولی در قرن هفتم به دست محی الدین عربی «جهش» پیدا کرد و به نهایت کمال خود رسید. محی الدین، عرفان را وارد مرحله جدیدی کرد که سابقه نداشت. بخش دوم عرفان یعنی، بخش علمی و نظری و فلسفی آن به وسیله محی الدین پایه گذاری شد، عرفای بعد از او عموماً ریزه خوار سفره او هستند»^۱

مذهب ابن عربی

پیچیدگی شخصیت ابن عربی و روش او در برخورد با مذاهب اسلامی و شخصیت‌های مورد علاقه هر یک از این مذاهب موجب اختلاف آراء و نظرات در مذهب او شده است. برخی او را از اهل سنت و جماعت، بعضی شیعه اثنی عشری، بعضی اسماعیلی، بعضی مالکی و ... دانسته اند.

۱- مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، جلد دوم، کلام - عرفان - حکمت عملی، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸، ص ۱۳۱